

خاورمیانه و گام بعدی؟

خاورمیانه منطقه‌ی وسیعی است در جنوب دریای مدیترانه به طرف شرق آسیا. این منطقه شامل کشورهای: مصر،



کشته‌ها، خانه‌ها، منانه

سوریه، اسرائیل، لبنان، اردن، ترکیه، عراق، عربستان سعودی، ایران، عمان، یمن، قطر، ابوظبی، کویت، دبی، افغانستان، پاکستان و تاجیکستان است. جمعیت این منطقه‌ی وسیع حدوداً ۷۰۶ میلیون نفر است. از کل تولید نفت جهان در سال ۲۰۱۹ (حدود ۹۸ میلیون بشکه) ۲۲,۹۴۱ میلیون بشکه آن در خاورمیانه تولید شده است.^۱ (تقریباً ۲۳٪) در سال ۲۰۱۹ قیمت سید نفت خاورمیانه ۶۶ دلار برای هر بشکه بوده است. در نتیجه در هر روز ۱۵۱۴,۱۰۶ میلیون دلار (یک میلیارد و پانصد و چهارده میلیون و صد و شش هزار) دلار از فروش نفت به

صندوق‌های مالی کشورهای نفت خیز خاورمیانه واریز می‌شده است. این ثروت بی‌کران که از استثمار نیروی کار و طبیعت حاصل می‌آید در خدمت نیازهای اقتصادی و پیشبرد سیاست‌های بورژوازی حاکم در این کشورها قرار می‌گیرد. در حالیکه اکثریت مردم زحمتکش این منطقه در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

آمریکا در سال ۲۰۱۹ با تولید روزانه ۱۷ میلیون و ۴۵ هزار بشکه نفت بزرگترین تولیدکننده نفت جهان بوده و با مصرف روزانه ۱۹,۴ میلیون بشکه نفت ۱۹,۷ درصد مصرف نفت جهان را به خود اختصاص داده است. این آمار به روشنی نشان می‌دهد که اعمال سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه برای بدست آورده نفت مصرفی درون آمریکا نیست. آمریکا می‌تواند ۷۱۱,۷۵ میلیون بشکه کسری نفت سالانه خود را به سادگی دیگر تأمین کند.

چین با تولید روزانه کمی بیش از ۴ میلیون بشکه نفت و مصرف روزانه ۱۴,۰۵۶ میلیون بشکه نفت با شدت در جستجوی منابع نفتی در داخل و خرید نفت از روسیه و خاورمیانه است. یکی از پایه‌های اساسی سیاست چین در خاورمیانه ایجاد امکان جهت خرید ارزان نفت می‌باشد.

سیاست اساسی آمریکا در خاورمیانه تسلط و کنترل منابع نفتی کشورهای منطقه با هدف ترمز تولید و در نتیجه رکود اقتصاد چین است. تاکتیک‌های این سیاست عبارتند از ۱- تطمیع و تهدید بعضی از کشورهای منطقه مثل امارات متحده عربی، بحرین، اردن، مصر و غیره جهت برقراری مناسبات دیپلماتیک با اسرائیل با هدف ایجاد تنگناهایی در زمینه‌ی صادرات نفت به چین و سرمایه‌گذاری چین در منطقه. ۲- ایجاد آشوب، تهاجم نظامی و کودتا در بعضی از کشورهای منطقه و فروش میلیاردها دلار اسلحه به بعضی دیگر جهت گسترش نفوذ خود در مقابل چین و به طور فرعی در مقابل ایران. ۳- تنگ کردن حلقه محاصره چین در دریای جنوب چین با هدف ایزوله کردن این کشور و اخلاص در اقتصاد آن.

سیاست اساسی چین نیز خارج کردن آمریکا از خاورمیانه است. آمریکا به علت شکنندگی اقتصادش، برای رسیدن به هدف به دسته بندی‌های سیاسی، آشوب و کودتا متوسل می‌شود (آمریکا در سال‌های ۵۰ قرن گذشته ۵۰ درصد اقتصاد جهان را در دست داشت اما اکنون به ۲۰ درصد رسیده است)، ولی چین به علت قدرت اقتصادی‌اش با نزدیک شدن به کشورهای متحد آمریکا و انعقاد قراردادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با آنها، به تخریب بنیان‌های نفوذ آمریکا در منطقه می‌پردازد. چین در راستای کمربند و جاده که ۶۰ کشور جهان را در بر می‌گیرد، به بزرگترین خریدار نفت عربستان سعودی تبدیل شده، و قراردادهای میلیاردری منعقد کرده‌اند. حتی آموزش زبان چینی در مدارس عربستان گنجانده شده است. بن سلمان در یک مصاحبه گفت: «چین شریک استراتژیک عربستان است». چین با امارات عربی نیز ده‌ها قرارداد اقتصادی و سیاسی بسته است و اکنون هزاران شرکت و کارمند و کارگر چینی در آن جا فعال هستند. مناسبات فشرده چین با پاکستان و گسترش روز افزون آن چشمگیر است. مناسبات چین با ایران و صدور ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه چینی به این کشور نیز احتیاج به توضیح ندارد، حاکمیت گام به گام چین بر افغانستان در همان روز اول قدرت‌گیری طالبان بر همه روشن شد و غیره... اگر آمریکا با دخالت مستقیم و اعمال زور بر دولت‌ها از یک جانب و استثمار و سرکوب طبقه کارگر در خاورمیانه از جانب دیگر رو می‌آورد، چین به وسیله دولت‌هایی که با قرارداد در چنگال‌اش گیر کرده‌اند به سرکوب طبقه کارگر این کشورها دست می‌زند.

از آنچه گفته شد روشن می‌شود که رقابت دو ابر قدرت امپریالیستی، که پایانی بر آن متصور نیست، کل منطقه خاورمیانه را با بحرانی عمیق و فزاینده رو به رو ساخته و جهان را گامی به ورطه جنگ جهانی نزدیک کرده است.

1- <https://fa.tradingeconomics.com/country-list/crude-oil-production>

یکی از ابزارهای تنش و آشوب در خاورمیانه، عزیز درانه آمریکا و غرب - دولت صهیونیستی اسرائیل² - است که چین آرام آرام به افزایش نفوذ خود در آن مشغول است.

روسیه به عنوان یک ابر قدرت امپریالیستی که تازه سر بلند کرده و تا اندازه‌ای به اقتصادش سر و سامان داده است، از قدرت‌گیری روز افزون چین، در تنش و تلاطم است ولی تقابل با آمریکا در زمینه نظامی مثل سوریه و در زمینه رقابت تسلیحاتی مثل ترکیه و تحریم‌های افزون شونده آمریکا، این کشور را کنار چین کشانده است. این رقابت که بیشتر شکل نظامی و تسلیحاتی دارد، بحران در خاورمیانه را تشدید می‌کند.

در چنین شرایطی، آمریکا برای مقابله با چین و روسیه دست به هر اقدامی می‌زند تا هر مقاومتی را در خاورمیانه در هم بشکند و شریان‌های نفت را که بسیار مورد احتیاج چین است، تحت کنترل درآورد. ولی رژیم جمهوری اسلامی ایران همانند بسیاری از کشورهای دیگر، تحت شرایط نوین بین‌المللی، از دولت‌ها پیروی نمی‌کند، این رژیم تابع بعضی از کنسرن‌های بین‌المللی است. این رژیم برای ادامه‌ی حیات خود از آن کنسرن‌های بین‌المللی تبعیت می‌کند که به ادامه حاکمیت‌اش یاری رسانند. در درون رژیم جناح‌های گوناگون، وابستگی گوناگون به کنسرن‌های بین‌المللی دارند. برجسته‌ترین این جناح‌ها اصول‌گرایان و اصلاح طلبان هستند. اصلاح طلبان اساساً مایل به کار با کنسرن‌های بین‌المللی غربی می‌باشند و اصول‌گرایان منافع رژیم را در تابعیت از کنسرن‌های چینی و روسی می‌دانند. تصفیه اخیر در رژیم ایران نیز بر همین اساس صورت گرفت. رژیم ایران در جهت تقویت و ادامه حیات خود علاوه بر گشودن سخاوتمندانه درهای ایران به روی کنسرن‌های چینی و روسی جهت کسب پشتیبانی آن‌ها در مقابل آمریکا، سعی دارد آمریکا و اسرائیل را در مناطق دیگری نیز مشغول کند و از تمرکز آن‌ها علیه خود بکاهد. لذا تقریباً به تمام گروه‌های تروریستی و دولت‌های مرتجع فاشیستی که در منطقه وجود دارند، کمک مالی و پشتیبانی سیاسی می‌کند. این امر تا کنون منطقه خاورمیانه را کاملاً به آشوب کشیده است. به نظر می‌رسد که ایران مصمم به ساختن سلاح اتمی است. ایران اتمی برای آمریکا، چین و روسیه به مراتب خطرناکتر از اسرائیل و یا پاکستان اتمی است. زیرا ایران با اتکا به نیروی علمی و مالی خود به بمب اتم دسترسی پیدا می‌کند ولی کشورهای مزبور با اتکا به آمریکا صاحب بمب هسته‌یی شده‌اند. به این جهت کلید استارت این سلاح در این کشورها در دست آمریکاست. ایران اتمی مناسبات نیروها را به طور قطع در خاورمیانه تغییر می‌دهد. اسرائیل و ترکیه را گامی عقب می‌راند. لذا آن‌ها نیز در این رقابت تلاش‌های گسترده‌ای خواهند کرد که بحران اقتصادی و سیاسی خاورمیانه را عمیق‌تر می‌سازد. حضور آمریکا در منطقه باز هم کمرنگ‌تر می‌شود ولی توطئه و خرابکاری‌های آن افزون می‌گردد.

در جریان عقب نشینی آمریکا از افغانستان کشورهای عربی منطقه به ویژه کشورهای عربی اطراف خلیج فارس نسبت به آمریکا و کشورهای غربی بی اعتماد شدند. وزیر امور خارجه چین با استفاده از این موقعیت در ۱۹ جولای ۲۰۲۱، کمی پیش از ورود طالبان به کابل با دبیر کل اتحادیه عرب در مصر ملاقات نمود و درباره رابطه‌ی تنگتر کشورهای عربی منطقه با چین به گفتگو پرداخت. عربستان سعودی نیز علاقه بیشتری به گفتگو با ایران نشان می‌دهد. با وجود این که حوثی‌های یمن دائماً عربستان را بمباران می‌کنند، آمریکا پیشرفته‌ترین سامانه دفاع موشکی خود را از عربستان خارج می‌کند.

عروج طالبان بر قدرت سیاسی افغانستان، پروژه ۳ میلیارد دلاری هند برای «عمران» افغانستان، و دیگر پروژه‌های گسترده‌ی آن را یا نیمه تمام گذارد و یا نابود ساخت. مایکل کوگلن، معاون برنامه آسیای ایالات متحده به درستی می‌گوید: «هند از نزدیکترین شریک منطقه‌یی کابل به یکی از محروم‌ترین بازیگران منطقه در تحولات اخیر افغانستان تبدیل شده است»

ولی پاکستان تلاش می‌کند که تمام کشورهای عربی متحد خود را در سرنوشت اقتصادی - سیاسی افغانستان شریک سازد و جای خالی هند را پر کند. این حرکت عملاً به تقویت موضع چین در افغانستان و خاورمیانه می‌انجامد.

ترکیه در خاورمیانه ساز دیگری می‌زند. این کشور هم مثل اروپا بین آمریکا و روسیه و چین ایستاده است ولی نقشی فعال دارد. در حالی که با روسیه مرز میکشد ولی در مقابل آمریکا از این کشور سامانه‌های موشکی می‌خرد. اردوغان رهبر فاشیست این کشور امپریالیستی نوحاسته و به لحاظ اقتصادی بحران زده، تلاش می‌کند با قلدری بازارهای جدیدی برای خود به وجود آورد. به سوریه حمله می‌کند و بخشی از آن را اشغال می‌نماید و قبرس را از آن خود می‌داند. به طوری که رئیس جمهوری قبرس می‌گوید «ترکیه... تلاش می‌کند تمام این جزیره را تحت کنترل خود

در آورد.³ ترکیه در لیبی نیرو پیاده می‌کند و... دقیقاً تحت این ضرورت و سیاست است که در افغانستان نیز دخالت‌گری می‌کند. با همین هدف نیز در کنار آذربایجان ایستاده و تنش جدید ایران - آذربایجان را دامن می‌زند. عراق با خواست بیرون رفتن تمام نیروهای خارجی از این کشور سعی می‌کند بحران‌های اقتصادی خود را مداوا کند، رابطه‌اش را با ایران حفظ نماید و برای آرامشی که نیاز دارد بین کشورهایی که با هم درگیر هستند نقش میانجی بازی کند.

امروزه اتحادیه اروپا از خودکامگی آمریکا کلافه شده است. بیرون رفتن آمریکا از افغانستان کشورهای این اتحادیه را در حله اول شوکه کرد و در مرحله‌ی بعد سیاست‌های دنباله‌روانه خود از آمریکا را مورد انتقاد قرار دادند. خانم کارنیور سیاستمدار حزب دمکرات مسیحی آلمان در نشست وزرای دفاع عضو اتحادیه اروپا در نشست وزرای دفاع عضو اتحادیه اروپا گفت: «اتحادیه اروپا باید درس‌های زیادی از آشفتگی‌های ناشی از خروج از افغانستان بگیرد» و نتیجه گرفت که باید «یک ائتلاف درونی اروپایی برای واکنش سریع در مقابل بحران‌های نظامی» را به وجود آورد. امروز اتحادیه اروپا بین چین و آمریکا سرگردان است. تحریم‌های مستمر آمریکا برای ایران و روسیه که قطعه قطعه بازار محصولات اروپایی در این کشورها را از دستشان خارج می‌کند و تحویل چین و روسیه می‌دهد، آن‌ها را از آمریکا دور می‌کند.

برای ارزیابی سمت حرکت خاورمیانه لازم است برآیند نیروها را نیز ارزیابی کنیم.

۱- آمریکا نیروی مسلط در خاورمیانه به علت شرایط اقتصادی نا به سامان درونی و سیاست‌های نابخردانه، سرکوب‌گرانه، و قلدر منبانه در سطح بین‌المللی هر روز منزوی‌تر می‌گردد و گام به گام مجبور می‌شود از خاورمیانه عقب نشینی کند. چین با اقتصاد شکوفا و توان نظامی خود، هر گام به عقب آمریکا را به حضور خود پر می‌کند.

۲- روسیه با تمام تضادها با چین، در مقابل آمریکا و اروپا، متحد این کشور است.

۳- ترکیه با اقتصاد ضعیف و شکننده همانند جمهوری اسلامی خود را در چندین منطقه درگیر کرده است که آینده خوبی بر آن متصور نیست.

۴- با کسب قدرت سیاسی توسط طالبان در افغانستان و عقب نشینی آمریکا، رژیم جمهوری اسلامی با عضویت در سازمان همکاری شانگهای، به لحاظ سیاسی تقویت شده است. صدور نفت از ایران به سوریه و لبنان، در شرایط تحریم آمریکا اعتماد کشورهای خاورمیانه را باز هم بیشتر نسبت به قدرت و توانایی آمریکا، سلب کرده است.

۵- افغانستان دارای معادن کمیابی در طبیعت مثل لیتیوم، نیوبیوم سزیم روبیدیم است و حاکمیت بر این معادن عملاً به مفهوم برتری و سلطه بر دیگر کشورهایی است که این مواد را لازم دارند. چین اولین کشوری است که با طالبان مناسبات دیپلماتیک برقرار نمود و نماینده طالبان از سرمایه‌گذاری چین در افغانستان اظهار شادمانی کرد. چین افغانستان را تحت سیطره خود درخواهد آورد و بدون رقیب بر معادن آن مسلط خواهد شد. حرکت کشورهای خاورمیانه به سمت شرق به دلایلی که ذکر شد، چین محور است. این حرکت را سرمایه‌گذاری سالانه ۱۰۰۰ میلیارد دلاری چین در کمربند و جاده تسریع و تحکیم می‌کند. قرارداد ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در ایران، ایران را نیز کاملاً تحت سلطه چین قرار می‌دهد. راه دریائی حمل نفت ایران به چین به علت وجود ناوگان‌های آمریکا در دریای چین با خطر رو به روست. لذا برنامه ساختن لوله حمل نفت و گاز به چین از طریق افغانستان به یک ضرورت تبدیل گردیده است.

۶- حرکت چین محور کشورهای خاورمیانه، تنگناهای بسیاری برای سیاست‌های امپریالیسم آمریکا ایجاد خواهد کرد. آمریکا طبق ضروریات اقتصادی‌اش و طبق سنت‌های بین‌المللی‌اش سعی خواهد کرد با ایجاد آشوب، کودتا و قلدری بیشتر سیاست‌های خود را در خاور میانه ادامه دهد. لذا درگیری چین و آمریکا این منطقه را در بحرانی عمیق‌تر فرو خواهد برد که بازنده‌اش مردم خاورمیانه و امپریالیسم آمریکا و برنده‌اش دولت‌های طرفدار چین و دولت چین خواهند بود.

نظم کمونیستی

3.8.1400